

بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور: "مطالعه موردی دانشجویان دختر مراجعه کننده به مراکز اعزام به خارج دانشجویان شهر شیراز"

علی حاتمی^۱، جهانگیر جهانگیری^{۲*} و سجاد فتاحی^۳

چکیده

این مطالعه به بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور می‌پردازد و این بررسی با توجه به دو دسته از عوامل رانش (دافعه‌های داخلی) در کشور مبدا و عوامل کششی (جاذبه‌های خارجی) در کشورهای مقصد، طراحی شده است. نوع پژوهش پیمایشی بوده و جمعیت مورد مطالعه آن ۱۲۰ نفر از دانشجویان دختر مراجعه کننده به مراکز اعزام دانشجویان به خارج از کشور شهر شیراز که به صورت تصادفی انتخاب شده اند را تشکیل می‌دهند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر: «بیکاری، نداشتن درآمد کافی، برخوردار نبودن از شغل متناسب با رشته تحصیلی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب، نبود امنیت شغلی، نبود امکانات، بحران‌های اقتصادی، نبود امکانات علمی، پژوهشی و آزمایشگاهی، کمبود استادان متخصص، توجه نکردن به خواسته‌های افراد تحصیل کرده و رعایت شان علمی آنان، نبود موفقیت در مقاطع تحصیلی بالاتر، محدودیت زنان در انتخاب برخی از رشته‌های تحصیلی خاص و محدودیت آزادی فردی»، به گونه ای معنادار به عنوان عوامل رانشی در مهاجرت دانشجویان دختر به خارج از کشور موثرند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهند «توزیع شغل بر اساس مهارت‌های افراد، مناسب بودن درآمد، نظم و ثبات اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت، سطح علمی بالاتر، بها دادن به نوآوری، امکانات و خدمات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، تساوی حقوق زن و مرد»، در دیدگاه پاسخگویان به عنوان عوامل کششی نام برده شده‌اند.

واژه های کلیدی: مهاجرت، دختران، عوامل رانشی و کششی مهاجرت، سرمایه انسانی، نظام جهانی، عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

۱- کارشناس ارشد ایسپا، تهران، alihatami80@yahoo.com

۲- دکترای جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز.

۳- دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه مازندران، Sjdfttahi@aol.com

*. نویسنده مسئول مقاله: jjahangiri@gmail.com

پیشگفتار

تاریخ بشر از بدو خلقت تا کنون تغییر و تحولاتی عظیم را پشت سر گذاشته است و امروزه در جهانی هستیم که همواره ارزش‌ها و هنجارهای قدیمی دستخوش دگرگونی شده و این دگرگونی در تمام سطوح زندگی تاثیر می‌گذارد. یکی از موضوع‌هایی که در دنیای کنونی مطرح شده موضوع مهاجرت زنان می‌باشد که بحث‌های گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است.

بی‌گمان، نیروی انسانی تحصیلکرده از عوامل مهم رشد و توسعه هر کشوری است. به گونه‌ای که با قطعیت می‌توان گفت این عامل در صدر سایر عوامل قرار گرفته و کشورهایی به رشد و توسعه واقعی دست یافته‌اند که در کنار منابع خدادادی، دانش و فناوری، نخست: از نیروی انسانی با دانش بالا برخوردار بوده و دوم، از این نیروی متخصص به گونه مطلوب استفاده کرده‌اند. در این زمینه سیمون کوزنتس^۱، برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۷۱ بیان می‌دارد ۹۰ درصد از توسعه کشورهای صنعتی ناشی از بهبود ظرفیت‌های انسانی است. به بیان دیگر، سرمایه انسانی را عامل اصلی توسعه می‌داند. مطالعه بانک جهانی در زمینه رشد ۱۹۲ کشور جهان نشان می‌دهد ۶۴٪ از رشد اقتصادی آنها مربوط به سرمایه انسانی، ۱۶٪ ناشی از سرمایه فیزیکی و ۲۰٪ ناشی از سرمایه طبیعی است (Abbasi, 2003).

به صورت تیتروار می‌توان تاثیرات مخرب مهاجرت نخبگان از کشور را به صورت زیر بیان نمود: هدر رفتن هزینه آموزش، تضعیف رشد دانش، کاهش قابلیت جامعه برای کاربرد اندوخته‌های علمی در جهت حل مسایل و مشکلات، کاهش اندیشه‌های نو و خلاقانه، تضعیف سرمایه اجتماعی (اعتماد تعمیم یافته و احساس تعلق به جامعه)، تنزل توسعه اقتصادی، نارسایی در سیستم مدیریتی، گسترش شکاف بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته. افزون بر این، هر مهاجرت موفقیت آمیزی می‌تواند انگیزه مهاجرت را در دیگران تقویت کند.

در جامعه شناسی مهاجرت و جامعه شناسی جهان سوم، مهاجرت متخصصان فرار مغزها نامیده شده است. منظور از این اصطلاح آن است که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای جهان سوم باعث خروج نیروهای متخصص از این کشورها به قصد کشورهای توسعه یافته تر و بویژه کشورهای جهان اول می‌شود. از آن سو، کشورهای توسعه یافته با اتخاذ سیاست‌های گوناگون مهاجرتی که می‌توان آنها را در دو دسته رویکردهای سیاسی از قبیل مارکسیست، گروه‌های منفعتی، سیاست‌های پارتیزانی و رویکردهای نهادی، روان‌شناسانه و جامعه شناسانه چون رویکرد هویت ملی دسته بندی نمود سعی در استفاده از مهاجرت‌های صورت گرفته از سوی کشورهای

¹. Simon Kusnetz

جهان سوم جهت برآورده نمودن نیازهای بازار کار خود و تامین تخصص های مورد نیاز البته، با توجه به مولفه های هویتی مهاجران در بازارهای کاریشان دارند (Meyers, 2000).

با ورود به سال ۲۰۰۲ میلادی در حدود ۱۷۵ میلیون نفر از مردم در کشورهای متفاوت با محل تولدشان سکونت دارند. ۱۷ درصد از جمعیت کانادا، ۱۱ درصد در فرانسه، ۱۷ درصد در سوئیس و ۱۱ درصد از جمعیت ایالات متحده را مهاجران تشکیل می دهند (Demeny & Mcnicoll, 2003).

مشاهده می شود که کشورهایی با وضعیت اقتصادی مناسب در مقایسه با سایر کشورها بیشترین مهاجران را جذب و البته، با اجرای سیاست های مهاجرتی بیشترین استفاده را نیز از نظر اقتصادی و علمی از این مهاجرت ها بر می گیرند.

بنا بر آمار اعلام شده از سوی بانک جهانی سالانه ۳۰۰ هزار نفر که بیشتر آنها نیز شامل افراد تحصیلکرده و کارگران ماهر می باشند از ایران به خارج مهاجرت می کنند. شرایط سخت مهاجرت در کشورهای اروپایی و آمریکایی باعث شده است که آنها در یک اقدام خودآگاه فقط دو دسته از افراد را دستچین کنند و به آنها اجازه اقامت و زندگی در کشورشان را بدهند. این افراد نیز کسانی هستند که کمترین ریسک اقتصادی و امنیتی را برای آنها به همراه داشته باشند که شامل افراد تحصیل کرده و ثروتمند هستند (Ozden, 2006).

بر اساس این گزارش ایران از نظر مهاجرت افراد خود به خارج از کشور در جایگاه پانزدهم جهان قرار گرفته است... این گزارش حاکی است که ۵۸٪ از کل ایرانیان مهاجر که معادل ۱۷۰ هزار نفر در سال می شود، افراد تحصیلکرده ای هستند که برای ادامه تحصیلات و یا جستجوی شرایط بهتر برای زندگی خود به خارج مهاجرت می کنند. ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا مراکز مهم جذب مهاجران ایرانی هستند. از کل مهاجران ایرانی ۴۵٪ وارد ایالات متحده می شوند و بقیه به دیگر نقاط جهان مهاجرت می کنند. این گزارش حاکی است که تنها ۳۴٪ از ایرانیان تحصیلکرده ای که با مدرک لیسانس به خارج مهاجرت می کنند میتوانند شغلی متناسب با تحصیلات و در شان خود پیدا کنند، در حالی که مهاجران هندی و هنگ کنگی و ایرلندی از جمله موفق ترین مهاجران جهان هستند (Ozden, 2006).

در سال ۱۳۸۰ درآمد سالیانه کشور از محل صادرات نفت ۲/۱۶ میلیارد دلار اعلام شده بود در حالی که ضرر ناشی از خروج مغزها ۳۸ میلیارد دلار برآورد شده است. در سال ۱۳۷۸ به طور قانونی ۵۴۷۵ نفر دارای درجه دکترا و فوق لیسانس از کشور مهاجرت کردند، یعنی روزی ۱۵ نفر... در سال ۱۳۸۴ صندوق بین المللی پول اعلام کرد: کره جنوبی، فیلیپین، چین تایپه و ایران نخستین کشورهای دنیا از نظر فرار مغزها هستند، در ایران سالانه ۱۵۰۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰ نفر با

تحصیلات دانشگاهی از کشور خارج می شوند که معادل خروج ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور است (Ozden, 2006).

در بین سرمایه‌های انسانی هر جامعه بی گمان زنان تحصیل کرده یکی از مهم‌ترین این سرمایه‌ها بشمار می‌روند. دانشجویان دختر که ی مهم از نیروی جوان جامعه را تشکیل می دهند، پس از کسب مهارت‌های تخصصی، در آینده ای نزدیک به بازار کار خواهند پیوست. با وجود این، بخشی از آنها به عزیمت به خارج از کشور گرایش دارند.

زنان و دختران تحصیل کرده و متخصص یکی از ارزشمندترین منابع هر کشوری بشمار می روند و در امر توسعه، پیشرفت و بالندگی کشور نقشی انکار ناپذیر ایفا می کنند. از این رو، ضرورت دارد مسئولان تدابیری بیاندیشند تا این قشر از جامعه بتواند در داخل کشور خود متمر ثمر واقع گردیده و از مهارت‌ها و استعداد های آنها در درون کشور استفاده شود. تدوین یک استراتژی ملی برای ایجاد فضای علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مناسب برای جذب و حفظ این قشر از افراد جامعه ضرورتی عاجل به نظر می رسد.

با توجه به تمامی مطالب فوق ضرورت اتخاذ سیاستی مهاجرتی از سوی مسئولان دولتی در کشور به وضوح آشکار است، اما باید توجه داشت که پیش از اتخاذ و یا طراحی چنین سیاستی می‌بایست عوامل موثر بر مهاجرت، بویژه مهاجرت تحصیل کردگان از لحاظ جنس، مقطع تحصیلی و دیگر متغیرهای دخیل در این امر شناسایی گردد تا با توجه به این عوامل که در شناخت علمی موضوع کمک می نماید در مرحله بعد به طراحی سیاستی مهاجرتی با توجه به عوامل دخیل در مهاجرت پرداخت.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی دافعه های داخلی (علل رانشی) نظیر وضعیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور و هم‌چنین، شناسایی جاذبه ها و مولفه های خارجی (علل کششی) موثر در گرایش به مهاجرت دختران تحصیل کرده به خارج از کشور از منظر خود آنان می‌باشد که داده های بدست آمده از این پژوهش زمینه را برای طراحی سیاستی مهاجرتی متناسب با عوامل موثر در مهاجرت فراهم نماید.

پرسش های پژوهش

۱- عوامل رانش یا دافعه های درون مرزی موثر در مهاجرت دختران تحصیل کرده به خارج از کشور از دیدگاه خود آنان کدام است؟

۲- عوامل کشتی یا جاذبه‌ها و مولفه‌های برون مرزی موثر در مهاجرت دختران تحصیل کرده به خارج از کشور از دیدگاه آنان چیست؟

پیشینه پژوهش

جواهری و سراج زاده (Javaheri, Serajzadeh, 2004) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور ۸۴-۱۳۸۳» به یافته‌های زیر دست یافته‌اند:

۵۹ درصد از دانشجویان در حد متوسط و ۱۷ درصد در حد زیاد گرایش به مهاجرت به خارج از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آنها در اندیشه مهاجرت نیستند.

نتایج یافته‌های پژوهش چلبی و عباسی (Chalabi, Abbasi, 2004) نشان می‌دهد که دلایل عمده مهاجرت نخبگان ایرانی آزادی با معنی خاص، درآمد مکفی و فرصت‌های علمی و فرهنگی بوده است. در مقابل شاید عمده‌ترین دلیل نخبگانی که در ایران مانده‌اند، وطن پرستی باشد.

نتایج بدست آمده از پژوهش آراسته (Arasteh, 2004) با عنوان «بررسی موقعیت دانشجویان ایرانی در ایالات متحده آمریکا و بازگشت آنها به ایران ۸۳-۱۳۸۴» نشان دهنده آن است که آزادی شخصی، فرصت مناسب برای اقامت در آمریکا، جوکاری بهتر، جو سیاسی مناسب، شانس بیشتر برای پیشرفت در تخصص، زندگی راحت‌تر، فرصت تحصیلی بهتر، درآمد بیشتر و استفاده مناسب از تخصص، همبستگی زیاد و متوسط با تصمیم دانشجویان جهت اقامت در ایالات متحده آمریکا داشتند. از سوی دیگر، آزادی شخصی، زندگی راحت‌تر، امنیت جانی، جو سیاسی قابل قبول، تبعیض علیه ایرانیان، زندگی اجتماعی قابل قبول، کمک فکری به خانواده، جو کاری بهتر و دوری از فرهنگ و مذهب، همبستگی زیاد و متوسط با تصمیم دانشجویان در بازگشت به جمهوری اسلامی ایران داشتند.

جوادی (Javadi, 2003) در پژوهش خود با موضوع «بررسی میزان و چگونگی تمایل به مهاجرت به خارج در میان دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی شریف در سال ۸۳-۱۳۸۲» به این نتیجه دست یافته که بیش‌ترین عوامل مهاجرت دانشجویان به خارج مربوط به شاخص احساس تعلق دانشجویان به علم و موقعیت دانشمندان در داخل است که افکارشان را به کشورهای خارجی معطوف می‌کند و نزدیک به ۸۰ درصد پاسخگویان قصد اقامت موقت در خارج را دارند.

عباسی (Abbasi, 2003) نیز با تکیه بر داده‌های ۴۲ کشور جهان - ۲۷ کشور فرستنده و ۱۵ کشور دریافت‌کننده مهاجر- به مطالعه پدیده مهاجرت پرداخته، یافته‌های او نشان می‌دهد، چهار

متغیر سطح کیفی زندگی، دموکراسی، توسعه فرهنگی و درآمد، قدرت پیشگویی عضویت افراد در دو گروه مهاجر و غیر مهاجر را دارد. در سطح کلان نیز تعیین کننده های اقتصادی، سطح توسعه فرهنگی و دموکراسی بر میزان جذب و دفع نیروی کار ماهر تاثیر می گذارد.

در پژوهش دیگری که به وسیله ابراهیمی (Ebrahimi, 2003) و با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی موثر بر تمایل دانشجویان رشته های برق و کامپیوتر به مهاجرت ۸۱-۱۳۸۰» صورت گرفته به این نتیجه دست یافته است که با وجود مشکلات و شکاف عمیقی که بین ایران و کشورهای توسعه یافته وجود دارد، تنها بخش کمی از دانشجویان مایلند در خارج از کشور اقامت دایم داشته باشند. در واقع، چنانچه وضعیت اقتصادی در ایران تغییر محسوسی کند و فاصله اقتصادی رو به کاهش گذارد و در زمینه مسایل علمی - آموزشی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی نیز دگرگونی محسوسی پدید آید، به احتمال زیاد، میزان مهاجرت دایمی دانش آموختگان این رشته ها کاهش خواهد یافت و تنها انگیزه ای که موجب خواهد شد دانشجویان به خارج از کشور مهاجرت کنند، تحصیل و استفاده از امکانات و دانش کشورهای توسعه یافته است.

نتایج پژوهش آراسته (Arasteh, 2001) که در بین ۴۸۱ نفر اعضای هیئت علمی دانش آموخته خارج از کشور انجام شده، حاکی از آن است که افزون بر عوامل شغلی (فرصت پیشرفت) و عوامل شخصی (رفاه فردی و خانوادگی)، متغیرهای دیگری مانند آزادی شغلی، آزادی علمی و شرایط اجتماعی - سیاسی بهتر، از جمله عوامل زمینه ساز مهاجرت اعضای هیئت علمی است.

پژوهشی که به وسیله گازمن، سیندر، رومرو و مورا (Guzman, Morra, Synder and Romero, 2004) با عنوان «عدم حضور والدین و مهاجرت بین المللی در سال ۲۰۰۴» انجام شده حاکی از آن است که مهاجرت شغلی از مکزیک به آمریکا روندی پویا می باشد که در ساختار هر دو جامعه یعنی هم جامعه مبدأ و هم جوامعی که مقصد مهاجران می باشد، دارای بنیادی اقتصادی و اجتماعی است. این روند از راه شبکه های روابط اجتماعی که جابه جایی از یک کشور به کشور دیگر را به عنوان یک استراتژی بقاء در مراحل گوناگون چرخه زندگی تداوم می بخشد، تسهیل می کند.

نتیجه یک نظر سنجی به وسیله بوش (Bosch, 2003) دانشجویان اروپایی ساکن آمریکا، نتایج زیر را ثابت می کند: بر اساس یافته های این پژوهش، حدود ۷۰ درصد دانشجویان (به استثناء آلمانی ها) اظهار داشته اند که ترجیح می دهند پس از اتمام دوره دکتری، در آمریکا بمانند. آنان در این مورد به دلایلی، مانند وجود مراکز پژوهشی پیشرفته، ساختار شغلی باز و انعطاف پذیر، فرهنگ کارآفرینی قوی، معیار زندگی بالا و کیفیت زندگی برتر اشاره کرده اند.

بر اساس گزارش لاک یر (Lock Year, 2002) نیز تعداد دانشجویان مهاجر همچنان در حال افزایش بوده، و به احتمال زیاد، بین ۵۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ ایرانی با ویزای دانشجویی در آمریکا مشغول به تحصیل می‌باشند.

پژوهش‌های منون و کارس پیکن (Menon, Pecken, 2001) در مورد دانشجویان هندی دوره دکتری و فوق لیسانس نشان می‌دهد «از شروط اصلی که فرایند مهاجرت را فراهم کرده است، سیاست کشورهای دریافت کننده است که نه تنها فعالانه فارغ التحصیلان با کفایت را جذب می‌کنند، بلکه به آنها اجازه می‌دهند پس از پایان تحصیلات در آن کشورها بمانند».

بررسی و تجزیه و تحلیل همبستگی گلسر (Gloser, 2000) نشان می‌دهد که عدم مراجعت دانشجویان خارجی به کشورهایشان مربوط به درآمد، کیفیت و کمیت شغل است.

نجمل (Najmal, 2000) با بکارگیری الگوی نظریه سرمایه انسانی در تصمیم گیری و دانشجویان خارجی که قصد تحصیل در آمریکا را دارند، نتیجه گیری می‌کنند که میزان بازدهی تحصیلات در آمریکا در بین مهندسان و به خصوص دانشجویان هندی و تایوانی از بهره بالایی برخوردار است و عواملی که در تصمیم دانشجویان تاثیر گذشته است شامل، کشور متبوع، ثبات سیاسی، فرصت‌های شغلی در کشور خود و وابستگی خانوادگی می‌باشند.

مروری بر نظریه‌ها

به باور ترنر، نظریات، تبیین‌هایی درباره چگونگی و چرایی وقوع رخدادها در جهان است (Turner, 2003) و در این بین نظریات جامعه‌شناسی پیرامون مهاجرت در پی تبیین چرایی و چگونگی وقوع این پدیده اجتماعی می‌باشند.

در زمینه تبیین عوامل موثر بر مهاجرت نیروی متخصص نظریه‌های متفاوتی مطرح است که به برخی از آنها به کوتاهی اشاره می‌شود.

نظریه نظام جهانی والرشتاین^۱

بر اساس دیدگاه طرفداران نظریه نظام جهانی شامل والرشتاین^۲، نظام سرمایه داری نیازمند انباشت سرمایه است و این هدف موجب جذب منابع کشورهای پیرامون به مرکز می‌شود. فرایند فرار مغزها نیز بخشی از فرایند انباشت سرمایه بشمار می‌رود. ناموزونی در انباشت سرمایه، درجه

^۱ Word system theory of Wallerstein

^۲. Wallerstein

توسعه و تجمع قابلیت فناوری، تراکم سرمایه انسانی برای کشور میزبان را به همراه دارد (Abbasi, 2003).

جریان از مرکز به پیرامون، شامل انتقال سرمایه، کالا، تقسیم کار کارگاهی، مدیریت تولید، ارزش و قواعد هنجاری و تکنولوژی است. بالعکس، جریان از پیرامون به مرکز، شامل انتقال سرمایه به شکل سود، بهره و ربایش مواد اولیه و نیروی کار ماهر و غیر ماهر است و این جریان ورودی و خروجی در بستر روابط نامتقارن صورت می گیرد (Chalabi, 2004).

ملت‌های جهان سوم هم اکنون پیرامون یک نظام جهانی بسیار فراگیر را تشکیل می دهند، به نظر والرشتاین از آنجا که کشورهای منطقه بر نظام جهانی مسلط اند، می توانند تجارت جهانی را به سود خود سازمان دهند. بر اساس آنچه نظریه پردازان وابستگی می گویند، کشورهای جهان اول وضعیتی ایجاد کرده اند که در نتیجه آن می توانند از منابع کشورهای جهان سوم برای مقاصد خود بهره برداری کنند که یکی از مهم‌ترین منابع این کشورها سرمایه انسانی آنها می باشد. بیش‌تر کشورهای جهان سوم خود را اسیر روابط اقتصادی با کشورهای مرکز می یابند که مانع توسعه اقتصادی آنها می گردد، اما آزاد شدن از این روابط برای آنها بسیار دشوار است. نتیجه آن است که نواحی صنعتی جهان به طور فزاینده ثروتمند و شکوفا می شوند، در حالی که بسیاری از کشورهای جهان سوم دچار رکود و عقب ماندگی اند (Giddens, 2003).

نظریه سرمایه انسانی^۱

نظریه سرمایه انسانی که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت بکار گرفته شد، بر آن است که نیروی انسانی پرورده از جایی به جایی دیگر می رود تا بیش‌ترین بازدهی را داشته باشد. تصمیم گیری افراد متخصص به مهاجرت به مثابه نوعی تصمیم گیری برای سرمایه گذاری و بهره برداری از آن تلقی می شود (Ershad, 2004).

این نظریه با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده برای دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می رود تا بیش‌ترین بازدهی را داشته باشد. این نظریه مهارت انسانی را صرفاً به عنوان کالایی اقتصادی می انگارد (Setoodeh, 2005).

^۱ . Human capital theory

نظریه لاری ساستاد^۱

نظریه ساستاد را می‌توان به نوعی زیر مجموعه مکتب انتخاب عقلانی قلمداد کرد. لاری ساستاد به مساله مهاجرت از دید سرمایه‌گذاری می‌پردازد. وی الگوی سرمایه‌انسانی در مهاجرت را تصمیمی برای سرمایه‌گذاری فردی معرفی می‌کند. با توجه به سطح مهاجرت، افراد ارزش فعلی سرمایه‌انسانی را در مقصد و در مقایسه با موقعیتی که در مبدا دارند، محاسبه می‌کنند. اگر بازده خالص هزینه فعلی مهاجرت در مقصد بزرگ‌تر از بازده کشور مبدأ باشد، مهاجرت رخ می‌دهد. ساستاد، در الگوی خود، به هزینه‌های مهاجرت و درآمدهای قابل انتظار مبدأ و مقصد می‌پردازد و آنها را از مهم‌ترین عوامل موثر بر مهاجرت می‌داند. در این حالت، هزینه انتقال شامل هزینه‌های مالی (مانند هزینه مسافرت، تفاوت در هزینه زندگی، درآمد پیشین در هنگام مهاجرت) هم‌چنین، شامل افزایش هزینه‌های روانی (برای نمونه جدایی از خانواده و دوستان) می‌شود. بر اساس این نظریه، هر نوع ارزشیابی شخصی از سود و زیان به ویژگی‌های فردی - مانند سن، جنس، تحصیل - بستگی دارد. فرد مهاجر تمامی این هزینه‌ها را محاسبه می‌کند و درآمد مورد انتظار در مقصد و درآمد مورد انتظار در مبدأ را مورد توجه قرار می‌دهد و با مقایسه آنها، برای مهاجرت تصمیم‌گیری می‌کند و مهاجرت زمانی صورت می‌گیرد که هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار مقصد باشد (Bauer & Zimmermann, 1999).

به نظر وی، مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد در غیر این صورت حتی اگر درآمد قابل انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدا باشد باز هم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد. بیان ریاضی نظریه ساستاد به شرح زیر است:

$$\text{mod} = \frac{(y_d - y_0) - T}{N(1+r)}$$

که در آن 0 مبدأ، d مقصد، mod تعداد مهاجران از مبدا به مقصد، Y_d دریافتی مهاجر در مقصد، y_0 دریافتی مهاجر در مبدأ، T هزینه مهاجرت، r نرخ بهره پول و N تعداد سال‌هایی است که مهاجر در انتظار دریافت درآمد y_d در مقصد به سر خواهد برد (Zanjani, 2001).

نظریه جاذبه و دافعه دوری توماس^۲

نظریه مشهور دیگری به نام جاذبه - دافعه را دوری توماس مطرح کرد. این نظریه برای تبیین مهاجرت، بر عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی میان کشورهای مبدأ و کشورهای مقصد متمرکز

^۱ . Theory of Sjasted

^۲ . Attraction and repulsion theory of D. S. Thomas

می شود و بیان می دارد که وجود عدم تعادل‌های اجتماعی - اقتصادی در کشور مبدأ، موجب دفع افراد از این کشورها می شود و بر عکس، در کشورهای مقصد عوامل اجتماعی - اقتصادی به صورتی در کنار هم قرار گرفته اند که افراد را جذب می نمایند و تا زمانی که عوامل دافعه در کشورهای مبدأ پا برجا هستند و در مقابل، بر عوامل جاذبه در کشورهای مقصد افزوده می شود، روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. در واقع، الگوهایی که مهاجران را تابعی از بیکاری می دانند بیش تر در چارچوب نظریه جاذبه - دافعه مطرح شده اند: به گونه‌ای که افزایش بیکاری مبدأ (عامل دافعه) انگیزه مهاجرت را از آن نقطه به نقاطی که سطوح بیکاری در آنها کم و یا فرصت‌های شغلی بیشتری در دسترس باشد (عامل جاذبه)، فراهم می کند. توماس به سن مهاجران نیز اشاره می کند. به نظر وی، افراد در آخرین سال‌های نوجوانی تا اوایل سی سالگی نسبت به دیگر گروه‌های سنی به مهاجرت راغب تر هستند (Sharifi, 1997).

نظریه نلم^۱

نظریه نلم، تئوری دیگری است که به مهاجرت به مثابه یک راهبرد، جهت متنوع کردن سبد مالی خانواده، نگاه می کند. به بیان دیگر، افراد در این تلاش خانوادگی برای دگرگونی اقتصاد و بالا بردن درآمد خانوار، به بازار کار دیگر مهاجرت می کنند. در بازار دیگر، مهاجران با فرستادن پول برای خانواده شان به خانواده و جامعه خود کمک می کنند. اثر مستقیم این عمل، افزایش درآمد خانواده است و اثر غیر مستقیم آن اثرات فزاینده ای است که با خرید کالاهای بیش تر و به احتمال زیاد، بسته شدن قراردادهای جدید با کارگران بوجود می آید. دو جنبه مهم این نظریه عبارتند از: ۱- تصمیم گیری برای مهاجرت، بخشی از راهبرد خانواده برای افزایش درآمد و به دست آوردن مبالغی برای سرمایه گذاری در فعالیت‌های جدید و بیمه شدن در مورد خطرات تولید و درآمد است.

۲- فرستادن پول یا ایجاد توان (پتانسیل) برای حواله کردن پول موجب آغاز یک حرکت پویای توسعه (هرچند ناچیز) در کشورهای فقیر می شود (Bauer & Zimmermann, 1999).

نظریه جاذبه و دافعه اورت اس. لی^۲

اورت اس. لی در قالب نظریه دفع و جذب به تحلیل عوامل میانی بین مبدأ و مقصد می پردازد. او بر این باور است که مهاجرت به معنای تغییر دایم یا به نسبت دایمی محل اقامت است. هر

^۱ New Economics of Labor Migration theory (NELM)

^۲ Attraction and repulsion theory of Everett. S. Lee

مهاجرتی از دید او مبدأ و مقصدی دارد و نیز سلسله‌ای از عوامل در آن نقش دارند (Goudarzi, 2003). لی با ارایه یک طرح جامع چنین فرض می‌کند که در صورتی که برآیند عوامل بر انگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد پدید می‌آید و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تاثیر بازدارنده‌ای اعمال نکنند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات آموزشی بیشتر، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه‌بشماری آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه می‌داند. نکته قوت نظریه لی تاکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است. تحت تاثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند. در این مدل سه دسته از عوامل مهاجرت متخصصان را مشخص می‌کند:

الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده یا بازدارنده) یا عوامل دفع کننده

ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده یا بازدارنده) یا عوامل جذب کننده

ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدا به مقصد (Zanjani, 2001).

به نظر لی مهاجرت تحت تاثیر عوامل مثبت، منفی یا خنثی که در محل اقامت فرد مهاجر و منابع بالقوه مقصد وجود دارد، رخ می‌دهد. هنگامی که اثر شرایط منفی در مبدأ یا اثر شرایط مثبت در مقصد بیش از اثر شرایطی باشد که فرد را به موطنش دلبسته می‌کند و یا مانع مهاجرت او می‌شود، احتمال وقوع مهاجرت افزایش می‌یابد. دافعه‌های موجود در کشور مبدأ به افراد فشار می‌آورند که کشور خود را ترک و به کشور دیگری که دافعه‌های مبدأ در آن وجود نداشته باشد) و یا کمتر وجود داشته باشند) و در عوض دارای جاذبه‌هایی نیز باشند مهاجرت نمایند (Well, 1993).

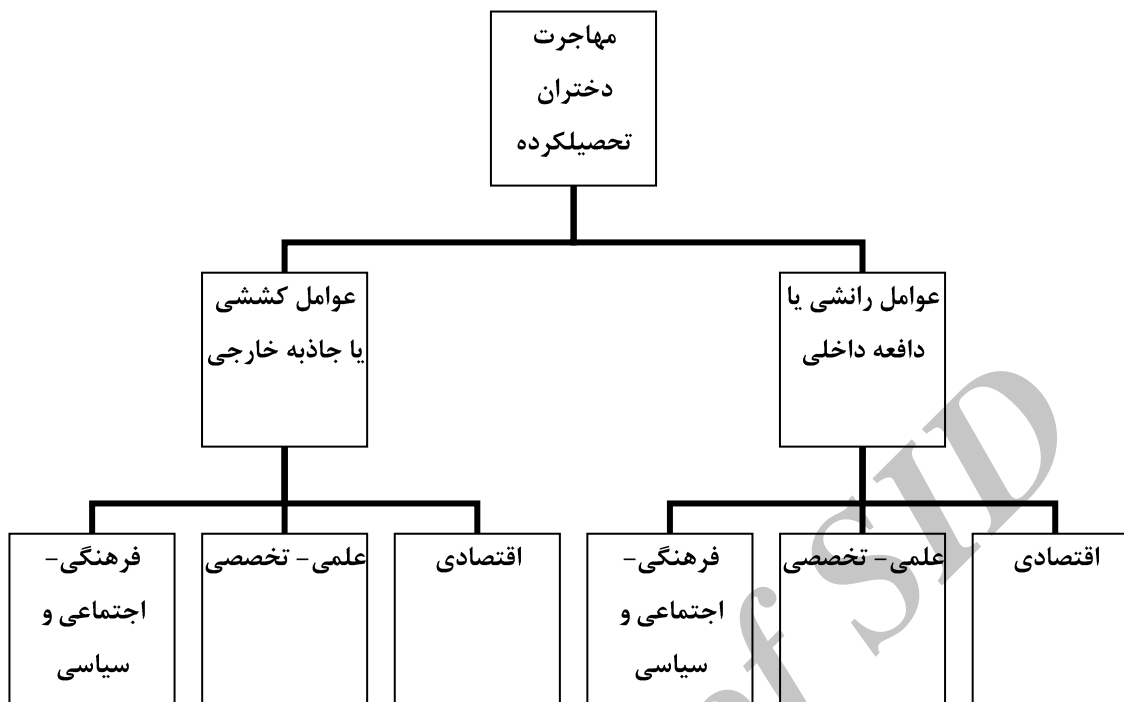
چارچوب نظری

یکی از رایج‌ترین نظریاتی که در تحلیل پدیده مهاجرت نیروهای متخصص بکار گرفته می‌شود، نظریه دافعه و جاذبه است. بر اساس مفروضات این نظریه، عوامل جاذبه یا برانگیزنده در کشورهای مقصد که منجر به مهاجرت افراد از موطن خود به این کشورها می‌شود، شامل مواردی چون، آینده اقتصادی (کار و درآمد) بهتر، رفاه بیشتر (سطح بالاتری از کیفیت زندگی)، فرصت‌های بیشتر برای آموختن (آموزش و پژوهش) و برخورداری از آزادی اندیشه و بیان است که این عوامل افراد را به کشورهای پیشرفته و دارای این امکانات جذب می‌کند. همچنین، عوامل دافعه و یا مانع شونده در داخل کشور ما که منجر به مهاجرت قشر تحصیل کرده و متخصص می‌شود، شامل مواردی

چون، اقتصاد توسعه نیافته (فقدان شرایط کاری رضایت بخش اشتغال ناکافی، سطح نازل درآمد)، فقدان سنت علمی پژوهشی (کمبود امکانات و کیفیت نازل خدمات آموزشی)، عدم رعایت حقوق اجتماعی و شهروندی و ... می باشد. تامل در دیدگاه یاد شده بر چند واقعیت دلالت دارد. نخست آنکه مهاجرت تحت تاثیر یک عامل واحد شکل نمی گیرد بلکه شکل گیری این فرایند حاصل به هم پیچیدگی عواملی متعدد است. دیگر آنکه مهاجرت به عنوان یکی از مهم ترین تصمیم گیری های انسان، در چارچوب یک انتخاب عقلانی و هدفمند به انجام می رسد. در واقع، گرایش به مهاجرت از خلال ارزیابی منافع و هزینه های آن ساخته و پرداخته می شود. بنابراین، با تکیه بر نظریه دافعه و جاذبه اورت. س. لی در این پژوهش به تبیین پدیده مهاجرت پرداخته می شود.

مدل نظری پژوهش

همان گونه که توضیح داده شد، پدیده مهاجرت دختران تحصیل کرده با استناد به نظریه های گوناگونی مورد بررسی قرار می گیرد، اما آنچه که مهم است بکارگیری نظریه در شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص یک جامعه است. لذا، به نظر می رسد با استفاده از چارچوب نظری زیر (نمودار ۱) که بر گرفته از مفاهیم نظریه جاذبه-دافعه است بتوان دلایل گرایش دختران را به مهاجرت توضیح داد.



نمودار ۱- چارچوب نظری بررسی علل گرایش مهاجرت دختران تحصی کرده به خارج از کشور در این مطالعه

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین عوامل (رانشی) اقتصادی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت (بیکاری افراد تحصیل کرده، عدم کسب درآمد کافی، عدم تناسب بین شغل و رشته تحصیلی و ...) و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.
- ۲- بین عوامل (رانشی) علمی و تخصصی (عدم وجود امکانات مناسب در دانشگاه‌های داخل، کمبود اساتید مجرب و متخصص، عدم رعایت شان علمی تحصیلکردگان و ...) و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.
- ۳- بین عوامل (رانشی) فرهنگی- اجتماعی و سیاسی (محدودیت آزادی فردی، عدم آزادی بیان و اندیشه، عدم رعایت حقوق اجتماعی و شهروندی) و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد .

- ۴- بین عوامل (کششی) اقتصادی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت (اشتغال افراد تحصیل کرده، کسب درآمد کافی، تناسب بین شغل و رشته تحصیلی و ...) و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.
- ۵- بین عوامل (کششی) علمی و تخصصی (وجود امکانات مناسب در دانشگاههای داخل، اساتید مجرب و متخصص، رعایت شان علمی تحصیل کرده‌ها و ...) و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.
- ۶- بین عوامل (کششی) فرهنگی- اجتماعی و سیاسی (آزادی فردی، آزادی بیان و اندیشه، رعایت حقوق اجتماعی و شهروندی) و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جهت انجام این پژوهش از روش پژوهش پیمایشی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای خودساخته است که به صورت حضوری در بین جامعه پژوهش توزیع شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شده است، بدین صورت که پس از طراحی، پرسشنامه به وسیله برخی متخصصان مورد بررسی قرار گرفت و تغییرات لازم در متن آن اعمال گردید. جهت سنجش پایایی طیف نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای این کار پرسشنامه در ابتدا بین ۲۵ نفر از افراد واجد شرایط توزیع گردید و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها پایایی طیف‌ها مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج بدست آمده از این آزمون نشان می‌دهند که ضریب بدست آمده ۰/۷۱ می‌باشد که نشان دهنده قابل قبول بودن پایایی طیف پرسشنامه است.

جامعه آماری پژوهش دختران مراجعه کننده به مراکز اعزام به خارج دانشجوی شهر شیراز می‌باشند، اما از آنجا که آمار دقیقی از آنها در دست نبوده، تعداد ۱۲۰ نفر از دختران مراجعه کننده به مراکز ارایه خدمات به دانشجویان جهت ادامه تحصیل و اعزام به خارج، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی مورد مصاحبه و پرسشگری قرار گرفته‌اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر نظرسنجی از دختران تحصیلکرده مراجعه کننده به مراکز اعزام دانشجوی درباره عوامل داخلی و همچنین درباره جاذبه‌ها و مؤلفه‌های خارجی موثر بر مهاجرت آنها

به خارج از کشور بود که نتایج با توجه به سوال های اصلی پژوهش و با به کارگیری آزمون آنالیز واریانس توضیح داده شد.

لازم به توضیح است که در آزمون دو جمله ای ابتدا شاخص یا میانگین مشخص گردید (مقیاس‌های اهمیت خیلی زیاد = ۵ امتیاز، اهمیت زیاد = ۴ امتیاز، اهمیت متوسط = ۳، اهمیت کم = ۲ و اهمیت خیلی کم = ۱) و سپس تعداد افراد پاسخ دهنده بالاتر از شاخص و همچنین، تعداد افراد پاسخ دهنده پایین‌تر از شاخص نیز مشخص شد.

یافته های پژوهش

در این بخش، پیش از پرداختن به آزمون فرضیات، ابتدا تصویری کلی از ویژگی های جمعیت شناختی و اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان آورده خواهد شد و سپس به بررسی عوامل جاذبه و دافعه موثر بر مهاجرت دختران دانشجو خواهیم پرداخت.

میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۴ سال بوده است. ۸۱/۷ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۸/۳ درصد متأهل بوده اند. بیش‌ترین توزیع پاسخگویان مربوط به گروه علوم انسانی با ۴۵ درصد فراوانی بوده است. ۷۰ درصد پاسخگویان بیکار و مابقی به صورت تمام وقت یا پاره وقت اشتغال داشته اند. ۹۷ درصد پاسخگویان اذعان داشته اند که پدر آنها شاغل است و در مقابل سهم مادران ۴۰ درصد بوده است. ۶۸ درصد پاسخگویان از هیچ‌گونه درآمدی برخوردار نبوده اند. ۲۵ درصد پاسخگویان درآمد خود را بین ۲۵۰-۱۰۰ هزار اعلام کرده اند و ۱/۷ درصد نیز درآمد خود را بالای ۴۰۰ هزار تومان بیان داشته اند. ۱۵ درصد پاسخگویان درآمد خانواده خود را زیر ۲۵۰ هزار تومان، ۴۱/۷ درصد بین ۲۵۰-۴۰۰ هزار تومان، ۱۳/۳ درصد بین ۴۰۰-۵۵۰ هزار تومان و ۳۰ درصد نیز درآمد خانواده را بالای ۵۵۰ هزار تومان بیان داشته اند.

حال که مشخصاتی از نمونه آماری نشان داده شد، در این قسمت برآنیم تا مهم‌ترین دلایل گرایش مهاجرت دختران تحصیل‌کرده را به خارج از کشور در سه بعد اقتصادی، علمی- تخصصی، و فرهنگی- اجتماعی و سیاسی، مشخص نمائیم.

الف) بررسی عوامل رانشی موثر بر مهاجرت

یکی از اهداف این پژوهش شناسایی عوامل رانشی موثر بر مهاجرت دختران به خارج از کشور بوده است. برای رسیدن به این هدف گویه ها همان گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، در سه عامل اقتصادی، علمی- تخصصی و فرهنگی- اجتماعی و سیاسی دسته بندی شده اند.

۷۰ بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیلم کرده به مهاجرت به خارج از ...

فرضیه نخست: بین عوامل رانشی یا دافعه های اقتصادی و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت رابطه وجود دارد.

جدول ۱- بررسی عوامل رانشی یا دافعه های اقتصادی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور با توجه به آزمون تحلیل واریانس

عامل	پرسش های پرسشنامه	مقوله	فراوانی	احتمال مشاهده	F	سطح معنی داری
	بیکاری افراد تحصیل کرده	≤ 3	۱۰۲	۸۵	۴/۹۰	۰/۰۰۲
		> 3	۱۸	۱۵		
	عدم کسب درآمد کافی	≤ 3	۱۰۶	۸۸	۱۹/۰۶	۰/۰۰۰
		> 3	۱۴	۱۲		
	عدم تناسب بین شغل و رشته تحصیلی	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۲۴/۴۰	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
اقتصادی	عدم وجود فرصت شغلی برای تحصیل کردگان	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۱۷/۷۷	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	نبود امنیت شغلی	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۳۲/۶۲	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
	کمبود امکانات و وضعیت رفاهی مطلوب	≤ 3	۱۰۲	۸۵	۱۸/۲۹	۰/۰۰۰
		> 3	۱۸	۱۵		
	بحران های اقتصادی	≤ 3	۱۰۰	۸۳	۱۳/۹۵	۰/۰۰۰
		> 3	۲۰	۱۷		

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، پاسخگویان در عامل اقتصادی، عواملی نظیر عدم وجود فرصت شغلی برای تحصیل کرده ها (۹۲ درصد)، عدم تناسب بین شغل و رشته تحصیلی (۹۰ درصد)، نبود امنیت شغلی (۹۰ درصد)، عدم کسب درآمد کافی (۸۸ درصد)، بیکاری افراد تحصیل کرده (۸۵ درصد)، کمبود امکانات و وضعیت رفاهی مطلوب (۸۵ درصد) و بحران های اقتصادی (۸۳ درصد) به ترتیب، اهمیت خیلی زیاد و زیاد در گرایش به مهاجرت دختران تحصیل کرده به خارج از کشور دارند. گفتنی است که تمامی متغیرهای بکار گرفته شده برای عامل اقتصادی در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار می باشند.

فرضیه دوم: بین عوامل رانشی یا دافعه‌های علمی و تخصصی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت.

جدول ۲- بررسی عوامل رانشی یا دافعه‌های علمی و تخصصی داخلی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور با توجه به آزمون تحلیل واریانس

عامل	پرسش‌های پرسشنامه	مقوله	فراوانی	احتمال مشاهده	F	سطح معنی داری
علمی- تخصصی	فراهم نبودن امکانات علمی و پژوهش‌هایی	≤ 3	۱۰۴	۸۷	۱۷/۱۴	۰/۰۰۰
		> 3	۱۶	۱۳		
	عدم وجود امکانات مناسب در دانشگاه‌های داخل	≤ 3	۹۴	۷۸	۱۵/۴۶	۰/۰۰۰
		> 3	۲۶	۲۲		
	کمبود اساتید مجرب و متخصص	≤ 3	۹۶	۸۰	۲۳/۲۷	۰/۰۰۰
		> 3	۲۴	۲۰		
	عدم توجه به خواسته‌های افراد تحصیل‌کرده	≤ 3	۱۰۰	۸۳	۲۱/۸۹	۰/۰۰۰
		> 3	۲۰	۱۷		
	عدم رعایت شان علمی تحصیل‌کردگان	≤ 3	۹۸	۸۲	۲۱/۴۴	۰/۰۰۰
		> 3	۲۲	۱۸		
	عدم موفقیت در ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر	≤ 3	۹۳	۷۷	۹/۷۷	۰/۰۰۰
		> 3	۱۸	۲۳		
	عدم توجه به سطح علمی افراد تحصیل‌کرده در انتخاب مشاغل	≤ 3	۱۰۴	۸۷	۱۷/۳۹	۰/۰۰۰
		> 3	۱۶	۱۳		
عدم بهره‌گیری از توان علمی افراد تحصیل‌کرده	≤ 3	۱۱۰	۹۳	۱۹/۳۲	۰/۰۰۰	
	> 3	۱۰	۸			
محدودیت زنان در انتخاب بعضی از رشته‌های تحصیلی	≤ 3	۱۰۶	۸۸	۱۶/۵۱	۰/۰۰۰	
	> 3	۱۴	۱۲			
عدم امکان انتخاب رشته تحصیلی مناسب با علایق شخصی	≤ 3	۱۰۲	۸۵	۱۶/۴۰	۰/۰۰۰	
	> 3	۱۸	۱۵			

۷۲ بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از ...

جدول ۲ نشان می دهد که دختران تحصیل کرده بر اینباورند که عواملی نظیر عدم بهره گیری از توان علمی افراد تحصیل کرده (۹۲ درصد)، محدودیت زنان در انتخاب برخی از رشته های تحصیلی (۸۸ درصد)، فراهم نبودن امکانات علمی و پژوهش هایی و عدم توجه به سطح علمی افراد تحصیل کرده در انتخاب مشاغل (۸۷ درصد)، عدم امکان انتخاب رشته تحصیلی مناسب با علایق شخصی (۸۵ درصد)، عدم توجه به خواسته های افراد تحصیل کرده (۸۳ درصد)، عدم رعایت شان علمی تحصیل کرده های (۸۲ درصد)، کمبود اساتید مجرب و متخصص (۸۰ درصد)، عدم وجود امکانات مناسب در دانشگاههای داخل (۷۸ درصد) و عدم موفقیت در ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر (۷۷ درصد)، به ترتیب دارای اهمیت خیلی زیاد و زیاد در گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور از دیدگاه دافعه های علمی و تخصصی داخلی، می باشند. گفتنی است که تمامی عوامل ذکر شده از نظر آماری معنادار می باشند.

فرضیه سوم: بین عوامل رانشی یا دافعه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت رابطه وجود دارد.

جدول ۳- بررسی عوامل رانشی یا دافعه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داخلی موثر بر گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور با توجه به آزمون تحلیل واریانس

عامل	پرسش های پرسشنامه	مقوله	فراوانی	احتمال مشاهده	F	سطح معنی داری
فرهنگی - اجتماعی و سیاسی	محدودیت آزادی فردی	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۲۸/۹۲	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
	عدم آزادی بیان و اندیشه	≤ 3	۱۰۶	۸۸	۳۵/۰۷	۰/۰۰۰
		> 3	۱۴	۱۲		
	عدم رعایت حقوق اجتماعی و شهروندی	≤ 3	۱۰۰	۸۳	۲۳/۱۰	۰/۰۰۰
		> 3	۲۰	۱۷		
	عدم امنیت اجتماعی	≤ 3	۹۲	۷۷	۱۸/۹۳	۰/۰۰۰
		> 3	۲۸	۲۳		
	عدم وجود امکانات در قسمت اوقات فراغت	≤ 3	۹۶	۸۰	۳۲/۲۶	۰/۰۰۰
		> 3	۲۴	۲۰		
	عدم توزیع بهینه و وضعیت نامطلوب بهداشتی - درمانی	≤ 3	۸۸	۷۳	۱۸/۷۴	۰/۰۰۰
		> 3	۳۲	۲۷		
			۱۰۰	۱۰۰		

یکی دیگر از اهداف این مطالعه بررسی عوامل رانشی یا دافعه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داخلی در گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور بوده است. براساس نتایج جدول ۳، عواملی همچون: محدودیت آزادی فردی (۹۰ درصد)، عدم آزادی بیان و اندیشه (۸۸ درصد)، عدم رعایت حقوق اجتماعی و شهروندی (۸۳ درصد)، عدم وجود امکانات در قسمت اوقات فراغت (۸۰ درصد)، عدم امنیت اجتماعی (۷۷ درصد) و عدم توزیع بهینه و وضعیت نامطلوب بهداشتی - درمانی (۷۳ درصد)، به ترتیب دارای بیش‌ترین تاثیر بوده اند. تمامی متغیرهای ذکر شده نیز براساس آزمون تحلیل واریانس در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنادار بوده اند.

ب) عوامل کششی در مهاجرت دختران تحصیل کرده به خارج از کشور

در پاسخ به سوال دوم پژوهش که پرسیده شده بود: جاذبه‌ها و مولفه‌های برون مرزی موثر در گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور کدامند؟ جداول ۴، ۵ و ۶ نتایج این مطالعه را که بر اساس عوامل اقتصادی، علمی- تخصصی، و فرهنگی- اجتماعی و سیاسی دسته بندی شده اند، نشان می دهد.

Archive of SID

۷۴ بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیلم کرده به مهاجرت به خارج از ...

فرضیه چهارم: بین جاذبه های اقتصادی خارجی و گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.

جدول ۴- بررسی عوامل کششی یا جاذبه های اقتصادی خارجی موثر بر گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور با توجه به آزمون تحلیل واریانس

عوامل	پرسش های پرسشنامه	مقوله	فراوانی	احتمال مشاهده	F	سطح معنی داری
اقتصادی	فراهم بودن فرصت های شغلی متناسب با رشته تحصیلی	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۳۷/۴۱	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
	فراهم بودن شرایط و امکانات لازم جهت اشتغال	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۳۵/۵۵	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	توزیع شغل بر اساس مهارت های افراد	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۳۸/۶۹	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	مناسب بودن درآمد افراد تحصیلکرده	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۳۱/۴۳	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	توزیع عادلانه درآمد و ثروت	≤ 3	۱۰۴	۸۷	۳۹/۱۳	۰/۰۰۰
		> 3	۱۶	۱۳		
ثبات و امنیت شغلی	≤ 3	۹۶	۸۰	۴۰/۱۵	۰/۰۰۰	
	> 3	۲۴	۲۰			
نظم و ثبات اقتصادی	≤ 3	۹۴	۷۸	۱۷/۹۶	۰/۰۰۰	
	> 3	۲۶	۲۲			
رفاه اقتصادی	≤ 3	۱۰۰	۸۳	۳۸/۳۹	۰/۰۰۰	
	> 3	۲۰	۱۷			
			۱۰۰	۱۰۰		

همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می شود، پاسخگویان مهم ترین عوامل کششی یا جاذبه های اقتصادی خارجی را در گرایش خود به مهاجرت به ترتیب: فراهم بودن شرایط و امکانات لازم جهت اشتغال، توزیع شغل بر اساس مهارت های افراد و مناسب بودن درآمد افراد تحصیلکرده (هر کدام ۹۲ درصد)، فراهم بودن فرصت های شغلی متناسب با رشته تحصیلی (۹۰ درصد)، توزیع عادلانه درآمد و ثروت (۸۷ درصد)، رفاه اقتصادی (۸۳ درصد)، ثبات و امنیت شغلی (۸۰ درصد) و نظم و

ثبات اقتصادی (۷۸ درصد)، به شمار آورده اند. متغیرهای ذکر شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده اند.

فرضیه پنجم: بین جاذبه های علمی- تخصصی خارجی و گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.

جدول ۵- بررسی عوامل کوششی یا جاذبه های علمی- تخصصی خارجی موثر بر گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور با توجه به آزمون تحلیل واریانس

عوامل	پرسش های پرسشنامه	مقوله	فراوانی	احتمال مشاهده	F	سطح معنی داری
	کیفیت بالای سطح علمی دانشگاه ها	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۱۹/۵۳	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	فراهم بودن زمینه امکانات علمی و پژوهش هایی در دانشگاه ها	≤ 3	۱۱۲	۹۳	۴۱/۳۲	۰/۰۰۰
		> 3	۸	۷		
	وجود امکانات و زمینه مناسب جهت ادامه تحصیل	≤ 3	۱۱۲	۹۳	۴۱/۱۱	۰/۰۰۰
		> 3	۸	۷		
علمی- تخصصی	بهاء دادن به نوآوری و ابتکار	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۳۲/۴۲	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
	ارائه خدمات آموزشی با کیفیت بالا	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۴۰/۹۵	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
	انتخاب رشته تحصیلی متناسب با علایق شخصی	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۳۸/۹۵	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	وجود استادان متخصص و مجرب در تمام رشته های تحصیلی	≤ 3	۱۱۲	۹۳	۴۰/۵۵	۰/۰۰۰
		> 3	۸	۷		

در بررسی عوامل کوششی یا جاذبه های علمی- تخصصی خارجی موثر بر گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور بر اساس دیدگاه پاسخگویان متغیرهای فراهم بودن زمینه امکانات علمی و پژوهش هایی در دانشگاهها، وجود امکانات و زمینه مناسب جهت ادامه تحصیل و وجود استادان متخصص و مجرب در تمام رشته های تحصیلی (هر کدام ۹۳ درصد)، کیفیت بالای سطح علمی دانشگاهها و انتخاب رشته تحصیلی متناسب با علایق شخصی (هر کدام ۹۲ درصد)،

۷۶ بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیلاً کرده به مهاجرت به خارج از ...

بهاء دادن به نوآوری و ابتکار و آرایه خدمات آموزشی با کیفیت بالا (هر کدام ۹۰ درصد)، به ترتیب دارای بیشترین درجه اهمیت بوده اند. متغیرهای ذکر شده نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان با توجه به آزمون تحلیل واریانس معنادار بوده اند (جدول ۵).

فرضیه ششم: بین جاذبه های علمی- تخصصی خارجی و گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد.

جدول ۶- بررسی عوامل کششی یا جاذبه های فرهنگی- اجتماعی و سیاسی خارجی موثر بر گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور با توجه به آزمون تحلیل واریانس

عوامل	پرسش های پرسشنامه	مقوله	فراوانی	احتمال مشاهده	F	سطح معنی داری
	آزادی اندیشه و بیان	≤ 3	۱۱۰	۹۲	۲۹/۶۳	۰/۰۰۰
		> 3	۱۰	۸		
	آزادی فردی	≤ 3	۱۰۶	۸۸	۳۸/۳۷	۰/۰۰۰
		> 3	۱۴	۱۲		
	رعایت حقوق اجتماعی افراد	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۳۹/۹۴	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
فرهنگی- اجتماعی و سیاسی	خدمات رفاهی و اجتماعی	≤ 3	۱۰۶	۸۸	۲۷/۰۳	۰/۰۰۰
		> 3	۱۴	۱۲		
	تساوی حقوق زن و مرد	≤ 3	۱۰۸	۹۰	۳۲/۵۶	۰/۰۰۰
		> 3	۱۲	۱۰		
	توزیع بهینه امکانات و خدمات بهداشتی- درمانی	≤ 3	۱۰۰	۸۳	۴۱/۵۶	۰/۰۰۰
		> 3	۲۰	۱۷		
	امکانات لازم جهت پر کردن اوقات فراغت	≤ 3	۱۰۰	۸۳	۱۹/۱۲	۰/۰۰۰
		> 3	۲۰	۱۷		

جدول ۶ نیز به بررسی عوامل کششی یا جاذبه های فرهنگی- اجتماعی و سیاسی خارجی موثر بر گرایش دختران تحصیلکرده به مهاجرت به خارج از کشور پرداخته است. نتایج جدول نشانگر آن است که دختران تحصیلکرده بر اساس نگرش خود متغیرهای آزادی اندیشه و بیان (۹۲ درصد)، رعایت حقوق اجتماعی افراد و تساوی حقوق زن و مرد (هر کدام ۹۰ درصد)، آزادی فردی و

خدمات رفاهی و اجتماعی (۸۸ درصد)، توزیع بهینه امکانات و خدمات بهداشتی - درمانی، و امکانات لازم جهت پر کردن اوقات فراغت (هر کدام ۸۳ درصد) را به ترتیب دارای بیشترین اهمیت دانسته اند. متغیرهای ذکر شده نیز بر اساس آزمون تحلیل واریانس معنادار بوده اند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به فرضیه نخست و چهارم که رابطه معنی داری را بین عوامل (رانشی و کششی) اقتصادی و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت مورد بررسی قرار داده است، مشاهده می شود که بین گرایش به مهاجرت دختران و عوامل اقتصادی در کشور مبدا رابطه وجود دارد. نتایج بدست آمده از این دو فرضیه با نتایج پژوهش های داخلی انجام شده به وسیله جواهری و سراج زاده (Javaheri, Serajzadeh, 2004)، آراسته (Arasteh, 2004)، عباسی (Abbasi, 2003) و ابراهیمی (Ebrahimi, 2001) همسو می باشد. همچنین، با پژوهش های انجام گرفته در خارج از جمله با پژوهش های گازمن و همکاران (Guzman, et al, 2004)، گلسر (Gloser, 2000) و ارن (Eren, 1983) همسو است.

نتایج فرضیه دوم و پنجم نشان می دهد که بین عوامل (رانشی و کششی) علمی و تخصصی و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد. نتایج با پژوهش های جواهری و سراج زاده (Javaheri, Serajzadeh, 2004)، آراسته (Arasteh, 2004)، جوادی (Javadi, 2004)، ابراهیمی (Ebrahimi, 2003) در داخل و بوش (Bosch, 2003)، لاک یر (Lock Year, 2002) و نجمل (Najmal, 2000) در خارج همسو بوده است.

با مقایسه نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه سوم و ششم که نشان می دهد "بین عوامل (رانشی و کششی) فرهنگی- اجتماعی و سیاسی و گرایش دختران تحصیل کرده به مهاجرت به خارج از کشور رابطه وجود دارد با مقایسه با نتایج پژوهش های انجام شده به وسیله دیگر پژوهشگران داخلی و خارجی مشاهده می شود که در ایران با پژوهش های آراسته (Arasteh, 2001)، عباسی (Abbasi, 2003) و ابراهیمی (Ebrahimi, 2002) همسو بوده و با نتایج پژوهش های خارجی انجام شده به وسیله گازمن و همکاران (Guzman, et al, 2004)، بوش (Bosch, 2003) و نجمل (Najmal, 2000) نیز همسویی مشاهده می شود.

با توجه به افزایش ارتباطات در سطح جهان و گسترش رسانه های ارتباطی که امکان آگاه شدن مردمان را از شرایط سایر نقاط جهان و گزینه های جایگزینی که برای زندگی بهتر آنان از نظر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراهم نموده است، بدون تردید دولت ها برای حفظ نیروهای متخصص خود که برای پرورش آنان متحمل هزینه های سنگینی می گردند، نیازمند آنند که

شرایطی مناسب را برای نیروهای متخصص خویش فراهم نموده تا از توانایی های آنان در درون کشور بهره مند گردند. از این رو، می بایست به صورت منظم آماری همه جانبه در خصوص میزان و نوع تخصص های مورد نیاز کشور، علل مهاجرت نخبگان و موانع حاضر در پیش روی آنان که سبب ساز خروج این سرمایه های انسانی از کشور می گردند، تهیه گردد.

با توجه به یافته های بدست آمده از این پژوهش که بر مبنای دسته بندی عوامل تاثیر گذار بر مهاجرت تحصیل کردگان با تمرکز بر تحصیل کردگان دختر شهر شیراز به دو دسته عوامل رانشی که شامل ۳ عامل اقتصادی، علمی-تخصصی و فرهنگی - اجتماعی و سیاسی و عوامل جاذبه خارجی متشکل از زیر مجموعه های این سه عامل به دست آمده است و بخش عمده ای از نتایج پژوهش های صورت گرفته در این مورد را تایید می نماید که به برخی از آنها در پیشینه های پژوهش اشاره شد، برای جلوگیری از خروج دختران تحصیل کرده که از عمده ترین سرمایه های انسانی کشور می باشند، نمی توان تنها به عامل مشخصی در زمینه مهاجرت تحصیل کرده ها اشاره کرد بلکه می بایست همان گونه که در مدل نظری نیز نشان داده شد، مجموعه عوامل گوناگونی را مد نظر قرار داد از این رو، پیشنهاد می شود: که با اختیار نمودن یک نگرش سیستمی در تحلیل و کاربرست یافته ها به مسئله مهاجرت در کل و مهاجرت تحصیل کردگان و نخبگان دانشگاهی در جزء نگریسته شود. قطعاً در این نگرش توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی درونی و برونی رهگشا خواهد بود، ولی با این حال، پیشنهاد می شود که در گام نخست زمینه ها و عوامل داخلی مورد توجه قرار گیرند زیرا اگر چه مجموعه عوامل مرتبط با جاذبه ها، مؤلفه ها و کشش های خارجی به مقدار زیادی در روند مهاجرت تاثیر گذارند، اما تغییر در این دسته از متغیرهای تاثیر گذار از دسترس ما خارج است و ما تنها قادر به دستکاری و تاثیر گذاری بر آن دسته عوامل می باشیم که از آنها با نام عوامل رانشی موثر بر مهاجرت یاد گردید و با تغییر در این دسته از متغیرها می توانیم بر میزان خروج دختران تحصیلاً کرده از کشور اثر گذاشته و آنها را با جاذبه هایی جهت جذب متخصصین ایرانی فعال در خارج از کشور جایگزین نماییم.

این واقعیت را باید پذیرفت که زندگی در جهانی که مدرنیته متاخر را از سر گذرانده و با انفجار وسایل ارتباطی به دهکده ای کوچک تبدیل گردیده، راه را برای مهاجرت هموار نموده است، اما تلاش درونی را نباید دست کم گرفت. برای مثال، اگر زمینه های علمی و پژوهشی مناسب در مراکز علمی، پژوهشی در داخل کشور فراهم آید بدون تردید امکان بیش تری برای حفظ این سرمایه های انسانی خواهیم داشت. اگر جاذبه ها و کشش های خارج از کشور بیرون از اراده برنامه ریزان کشور است، ولی عوامل رانشی و دافعه در اختیار ماست. لذا، پیشنهاد می شود شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و علمی مناسبی برای این گروه از منابع انسانی در جامعه به وجود

آید تا خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از مهاجرت، کمتر نصیب کشور در حال توسعه ما شود. البته، باید توجه داشت که بررسی علل عدم رشد مناسب و موانع پیش روی حرکت در مسیر توسعه خود نیازمند پژوهش‌های دیگری در این زمینه‌هاست. همچنین، پیشنهاد می‌گردد که با توجه به عوامل شناسایی شده موثر بر مهاجرت در این پژوهش و سایر پژوهش‌های مشابه در گام بعدی با در نظر گرفتن نیازهای کشور به طراحی سیاست مهاجرتی مناسبی با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور مبادرت گردد تا در این بین بتوانیم بیش‌ترین بهره را از مهاجرت برده و ضررهای ناشی از آن را به حداقل برسانیم.

References

1. Abbasi, Rasool (2003). Sociological study of skilled labor turnover at the international level in the field survey with emphasis on brain drain from Iran, Shahid Beheshti University, Tehran: MSc thesis Department of Sociology Social Sciences (Persian).
2. Arasteh, Hamid Reza (2004). *Position of Iranian students in the United States and return them to Iran*, University of Houston, Houston, Texas, USA.
3. Arasteh, Hamid Reza (2001). *Migration and factors of job satisfaction of faculty members graduated abroad*, Tehran: Institute for Higher Education Research and Planning (Persian).
4. Bosch .Xavier (2003). *Brain Drain Robbing Europe of its young scientist*, loden: vol .361 Iss – 9376. PP: 2210.
5. Chalabi, M. (2004). Comparative analysis of brain drain in the micro and macro levels, Tehran: *Shahid Beheshti University Journal of Humanities*, Faculty of Literature and Humanities (Persian).
6. Demny,p & Mcnicoll,G (2003). *Encyclopedia of population*. New York: Thomson.
7. Ebrahimi, God (2001). *Economic factors affecting the willingness of students to the migration of Electrical and Computer*, Tehran: Institute for Higher Education Research and Planning (Persian).
8. Eren, N. (1983). Supply, Demand and the Brain Drain, *Saturday Periw*, 10-12.
9. Ershad, Farhang (2004). Theoretical brain drain in terms of pattern formation in the current circumstances, Tehran: *Iran's social problems Proceedings*, No. 5, Association of Sociology (Persian).
10. Giddens, Anthony (2003). *Sociology*, translated by M. Saboori, Tehran: Ney publishing (Persian).
11. Gloser, W. (2000). *The brain drain: Emigration and return*. New York: United Nations Institute for Training and Research.
12. Goudarzi, S. (2002). *Major rural to city migration assessment and factors affecting it Tuyserkan*, Ferdowsi University of Mashhad: MSc thesis, Faculty of Humanities Sciences (Persian).

13. Guzman. Rosa Marra and Syder. J.Nelly and Romero. Martha and Mora. Maria (2004). Paternal absence and international migration: *American Sociological Review*.
14. Javadi, Ali Mohammad (2003). *Evaluate and how you want to migrate abroad among graduate students*, Tehran: Sharif University of Technology (Persian).
15. Javaheri, F. and Serajzadeh, Seyyed Hossein (2004). *Attitudes, and behavior of students public universities*, Tehran: Cultural Studies and Social Planning and Research Ministry of Science and Technology (Persian).
16. Lock Year, F. (2002). Iranian Exchange background – *NAFSA newsletter* 31 (3), 61-75 .
17. Menon. S and Cars Pecken .P. (2001). Beyond push and pull Explanations, Asian Indian Graduates students in the United States (Report No -500 211 04).
18. Meyers, e (2000). Theories of international immigration policy – a comparative analysis. site.<www. cps.umb.edu./Theories%20of%20International %20Immigration%20Policy.pdf > [13 nov. 2009] .
19. Najmal. H (2000). *The Economic of U.S Higher Education and foreign students*. Unpublished Ph.D thesis. Virginia Polytechnic Institute and State University.
20. Ozden.Caglar (2006). *Brain Drain in Middle East & North Africa: The Patterns Under The Surface*. Department of Economic and Social Affairs: United Nations Secretariat.
21. Parn Well, Mike (1993) *Population Movements and The third world*, Pourledge: London and New York.
22. Sale. R.T (1977 May 10). Sarak said at work in Washington, *Washington Post* (finaled).
23. Setoodeh, Hedayatollah (2005). *Sociology of social problems in Iran*, Tehran: Publication Nedaye Ariana (Persian).
24. Sharifi, M. (1997). *Faculty members of Tehran University tendency to migrate abroad*, Tehran University: MSc thesis (Persian).
25. Thomas k.Bauer & Klaus F.Zimmermann (1999). Assessment of Possible Migration Pressure and its Labour Market Impact Following EV Enlargement to Central and Europe: A study for the Department for Education and Employment, United Kingdom.
26. Turner, Jonathan. H, (2003). *The structure of sociological theory*. New York: Thomson.
27. Zanjani, Habibullah (2001). *Immigration*, Tehran: Samt publishing (Persian).